



معمای ارز

کیوان کاشفی
رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن
و کشاورزی کرمانشاه

تکذیب و عزم دولت برای ایستادگی بر نرخهای قبلی بطور رسمی اعلام شد. موضعی که احتمالاً در آینده نه چندان دور مجدداً مورد تغییر قرار خواهد گرفت. چنین فراز و فرودی در مواضع اقتصادی مسئولین مالی دولت محترم موضوع جدیدی نیست اما دقت در زوایای مختلف برخورد با اینگونه مسائل موجب جلوگیری از تکرار اشتباهات و عدم ایجاد بدبینی بین فعالین اقتصادی خواهد بود.

۱. کشور ما به واسطه تعدد مراکز تصمیم گیری و وجود قوانین فراوان دست و پاگیر همواره نیازمند تشکیل جلسات، همایشها، سمینارها و... در جهت ایجاد هماهنگی بین دستگاههای مختلف برای پیشبرد امور بوده و هست که این جلسات به تعداد فراوان بصورت کشوری - منطقه ایی - استانی و شهرستانی برگزار می گردد. حال سوال این است که چرا در این جلسات مواضع و نظرات کارشناسی دستگاهها هماهنگی لازم به وجود نمی آید چگونه به گفته مدیر کل محترم بانک مرکزی طرح تعیین نرخ جدید ارز توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت مطرح و توسط دولت رد می شود آیا بین وزارت صنعت، معدن و تجارت با وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی آنقدر اختلاف دیدگاه وجود داشته که امکان یکسان سازی نظرات قبل از طرح در روزنامه ها، جرائد و سایتهای خبری ممکن نبوده است، و یا نگرانی از عواقب پیش بینی نشده و بروز التهابات جدید در بازار ارز این عزیزان

حدود یکسال از هویدا شدن تفاوت نرخ ارز رسمی و آزاد می گذرد. در این مدت تدابیر و دستورات مختلف و ضد و نقیضی برای غلبه بر این بحران و حرکت به سوی تک نرخ کردن ارز و جلوگیری از اشتیاق کاذب برای این کالای استراتژیک به مرحله اجرا گذاشته شد، و صد البته جملگی ناکام و منجر به صدور بخشنامه های جدیدتری گردید، که آخرین آن طرح موسوم به اولویت بندی کالاها جهت دریافت ارز بوده است.

به نظر می رسد سیاست آزمون و خطا علی الخصوص در حوزه مسائل اقتصادی بعد از سی و اندی سال هنوز از راهکارها اصلی سیاستگذاران اقتصادی کشور است. از دستگاههای مهم و تأثیر گذاری مانند وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی که با دارا بودن خیل عظیم منابع مالی، کارشناسی و امکان دسترسی به آمار و اطلاعات دقیق انتظار می رود تحولات مالی کشور را با دقت و ظرافت بیشتر رصد کنند و اصولاً پیش بینی آینده بازار مالی، تحولات آن و اتخاذ راهکار درست و منطقی از وظایف مهم این دستگاهها بشمار می رود.

مقاومت یکساله بانک مرکزی بر نرخ ۱۲۲۶ ریال برای هر دلار از دو منظر قابل بررسی و دفاع است اول جلوگیری از دامن زدن به هیجان به وجود آمده در بازار ارز که موجب افزایش قیمت کالاها گردیده و درصدی تقاضای کاذب نیز به دنبال داشته، دوم صبر استراتژیک برای تطبیق تدریجی سطوح قیمتی کالاها بر اساس نرخ آزاد در بازار که به نظر می رسد با گذشت یکسال علائم آن بر قیمتتها مشخص و معلوم گردیده است. اما امروز چه باید کرد؟ آیا بانک مرکزی می بایست بر همین رویه تأکید نماید یا زمان برای تغییر استراتژی فرا رسیده است چندی قبل در مصاحبه ها و بیان دیدگاههای مدیر کل محترم بانک مرکزی اعتقاد به این تغییر مشاهده گردید، بشکلی که همه در انتظار اعلام نرخ جدید در ده روز آینده بودند اما به یکبار همه اخبار





خواهد بود) و از سوی دیگر موجبات ثبات و تعادل در بازار ارز را به دنبال خواهد داشت. نکته خطرناک در این باب اعلام نرخ جدید و عدم کامیابی بر تثبیت این نرخ است که قطعاً موجب پرش چند باره نرخ در بازار آزاد و بروز دونرخی جدید و صدماتی به موج جدید تورم در سطوح قیمتی خواهد بود.

۴. سیاستهای جانبی به مانند راه اندازی بورس ارزی و بیمه ارزی و غیره اگرچه سیاستهای منطقی و مناسبی است اما متأسفانه فراگیری لازم را نداشته و معمولاً در پیچ و خم قوانین و بروکراسی اداری و نحوه اجرا از ضریب تأثیرگذاری ناچیزی در تنظیم نرخ ارز برخوردار خواهند شد.

در هر شکل به نظر می رسد شرایط فعلی شرایطی گذار خواهد بود که ممکن است در هر زمان با اصلاح نرخ ارز یا لغو بخشی از تحریمها و فشارهای خارجی با متغیرهای جدیدی مواجه گردیم اما در شرایط فعلی نیاز به هم اندیشی و تجزیه و تحلیل دقیق شرایط و نزدیکی دیدگاههای دولت و بخش خصوصی و همکاری این دو بازیگر مهم در این عرصه بیش از پیش احساس می گردد تفکری که بر پایه آن شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی تشکیل گردید و انتظار می رفت این شورا بتواند در شرایط این چنینی به وحدت فکری و عملی جامعه اقتصاد کشور جامعه عمل پیوشاند که با کمال تأسف به دلایلی که به طور آشکار بر کسی معلوم نگردیده در حالت تعطیلی قرار گرفته است. یافتن راهکارها مناسب و جامع و غلبه بر بحران ارزی موجود ممکن و عملی است کاری که با بینش واقع بینانه و عملی نمودن سیاستهای منطقی می تواند به ثبات و آرامش در بازار ارز کشور منجر گردد.



را بر خلاف میل و نظر کارشناسی شان به تغییر موضع مجبور کرده است.

۲. یکی از مهمترین مشکلات در عدم برنامه ریزی اصولی و اجرایی بودجه سالانه کشور در چند سال اخیر، تصویب بودجه با تأخیر فراوان و عدم بررسی دقیق و کارشناسانه در مجلس محترم بوده است عدم پایبندی به سرفصلهای مختلف و چگونگی هزینه کرد منابع مالی توسط دولت، عدم نظارت کافی و یا عدم استفاده از اهرمهای قانونی برای اجرای دقیق بودجه در سالهای اخیر موجب هدر رفت و بی برنامه گی در نحوه وصول و هزینه درآمدهای کشور بوده است. که این مهم در رابطه با نرخ ارز و نقطه نظرات مسئولین نیز بخوبی بروز یافت. در حالی که در بودجه سال ۹۱ نرخ ارز بر پایه ۱۲۲۶ ریال به تصویب رسیده به یکبار شاهد اعلام خبر تغییر این نرخ در ده روز آینده بودیم کاری که علی القاعده می بایست پس از تصویب مجلس اعلام و اجرا می گردید.

۳. کارشناسان بر این عقیده اند که دو دلیل مهم برای بروز وضعیت فعلی (دو نرخ ارز) متصور است اول تثبیت دستوری و خلاف قاعده نرخ ارز توسط دولت به پشت گرمی ارز حاصله از فروش نفت در سالهای گذشته و دوم بازار عرضه و تقاضا برای این کالا و اشتیاق به خرید ارز به دلائل مختلف که سابقه طولانی در اقتصاد کشور ما دارد. بنابراین چنانچه نرخ گذار جدید در دستور کار تصمیم گیران سیاستهای مالی کشور وجود دارد می بایست به این مهم توجه ویژه نمود که چنانچه نرخ جدید برای ارز تعیین گردید دولت می بایست به هر میزان، جهت هر مصرف و به هر کسی که متقاضی خرید ارز باشد ارز به قیمتهای جدید تحویل و عزم خود را جهت غلبه بر دو نرخ موجود نشان دهد این امر از یکسو موجب افزایش منابع ریالی دولت خواهد شد (که البته خود نیازمند مدیریت خاصی جهت جلوگیری از افزایش نقدینگی و بالا رفتن نرخ تورم